

تاریخچه و سیر تحول برنامه‌ریزی آموزشی

عنوان دوره: برنامه‌ریزی آموزشی

کد دوره: ۹۱۴۰۰۴۶۷

کد نظام جامع: ۱۰۰۶

مدت دوره: ۳۶ ساعت

آموزشی و
برنامه‌ریزی

دکتر فرخ لقا رئیس‌دانا
دکتر مسعود وفائی

اشاره

در شماره پیشی ضمن ارائه هدف‌های کلی و جزئی این دوره آموزشی و ذکر انتظارات آموزشی از دانش‌پژوهان در پایان دوره، تعاریف و مفاهیم برنامه‌ریزی آموزشی از منظرهای گوناگون معرفی و سیر تحول تعاریف برشمرده شد. در این شماره تاریخچه و سیر تحول برنامه‌ریزی آموزشی در سه بخش: الف- در غرب، ب- در ایران قبل از انقلاب اسلامی و ج- در جمهوری اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد.

برنامه‌ریزی آموزشی به بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ میلادی) برمی‌گردد که تقاضا برای آموزش به واسطه ضرورت تأمین نیروی انسانی برنامه‌های توسعه اقتصادی بسیار زیاد شده بود. در ابتدا منظور اساسی از برنامه‌ریزی آموزشی، فراهم کردن زمینه تحقق هدف‌های برنامه‌های اقتصادی بود. اما بعدها با تحولات ایجاد شده در ابعاد سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی کشورها، غایت‌های برنامه‌ریزی آموزشی نیز متحول شد و در نقاط متفاوت دنیا به منظوره‌های متفاوت بسط و گسترش پیدا کرد.

درباره تاریخچه برپایی و تحول نظام برنامه‌ریزی آموزشی نوشته بسیار است و ترجمه بعضی از آن‌ها در کتاب‌هایی با عنوان کلی «برنامه‌ریزی آموزشی» در اختیار طالبان اطلاعات در این زمینه قرار گرفته است. آنچه در این مجموعه می‌آید، ضمن ذکر خلاصه و جمع‌بندی از اطلاعات موجود اشاره شده، بیان نظرها و نوشته‌های- به نسبت- جدیدتر توسط افراد بنام صاحب‌نظر در این زمینه است.

برنامه‌ریزی آموزشی از آغاز تا دهه ۱۹۴۰ میلادی

به مفهوم عام و کلی، تاریخچه برنامه‌ریزی آموزشی با تاریخ تعلیم و تربیت یکی است. تاریخ تمدن‌های

برنامه‌ریزی
آموزشی از آغاز تا دهه
۱۹۴۰ میلادی، برنامه‌ریزی
آموزشی از دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۶۰
میلادی، برنامه‌ریزی آموزشی از دهه
۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰ میلادی، برنامه‌ریزی
آموزشی از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد،
برنامه‌ریزی آموزشی در ایران قبل و
بعد از برپایی جمهوری اسلامی
ایران.



۱. تاریخچه و سیر تحول برنامه‌ریزی آموزشی در

غرب

مقدمه

در ابتدا، برنامه‌ریزی آموزشی در غرب، نه به صورت سازمان‌یافته و رسمی بلکه به شکل دل‌به‌خواهی و اختیاری، بنابر خواسته و میل آموزش‌دهنده و یا درخواست آموزش‌بیننده، حتی قبل از برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشورها وجود داشته است. برنامه‌ریزی‌های آموزشی سنتی بیشتر محلی بوده تا عمومی و همگانی و در مدارس و محل‌های خاص آموزش مورد استفاده قرار می‌گرفته و از نظام آموزشی سراسری نیز برخوردار نبوده است.

آغاز تهیه و تدارک برای استقرار نظام علمی در

پیشین در کشورهایی چون ایران، مصر، چین، یونان و روم پر از نکته‌ها و درس‌های ناشی از تدابیر آموزشی و پرورشی آن‌ها و توجه به نوعی برنامه‌ریزی آموزشی برای پیشبرد برنامه‌هایشان است.

در دنیای غرب، شروع برنامه‌ریزی آموزشی را می‌توان با آغاز و گسترش مسیحیت و متولی‌گری روحانیون مسیحی در امر تعلیم و تربیت مقارن دانست. ظهور اسلام و گسترش آن نیز ابتدا به واسطه ضرورت آموختن آموزه‌های دینی قرآن و ثبت و ضبط و گسترش احادیث و بعد به واسطه ضرورت گستراندن مفاهیم تعلیمی و تعلیمی در سرزمین‌های دیگر با ابداع شیوه‌های برنامه‌ریزی آموزشی ملازم شد. مفهوم عام و کلی از برنامه‌ریزی آموزشی به همین ترتیب تا زمان پیدایی انقلاب صنعتی و گسترش فناوری روندی ایستا داشت.

پویایی برنامه‌ریزی آموزشی ریشه در شکوفایی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها و کشورها دارد و از عمر آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد. آغاز پویایی در دهه ۱۹۲۰ میلادی و منتسب به اتحاد جماهیر شوروی سابق است. در آن زمان، دولت مرکزی وقت در روسیه شوروی سابق، به منظور فراهم کردن زمینه‌های توسعه، برنامه‌ریزی آموزشی را در قالب برنامه‌های پنج‌ساله پی‌ریزی کرد و برنامه‌هایی را به دست داد که اجرای نظام‌مند آن‌ها ظرف مدتی کمتر از پنجاه سال بی‌سودی را در آن کشور ریشه‌کن کرده و علم و فناوری را در آن‌جا شکوفا کند. این نوع برنامه‌ریزی آموزشی از نوع متمرکز بود و از سیاست‌ها و الهامات دولت و حزب مرکزی تبعیت می‌کرد و تحت نظارت کامل به اجرا درمی‌آمد.

برنامه‌ریزی آموزشی از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰

دهه پس از پایان جنگ جهانی دوم به واسطه ضرورت بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ و الزام تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآزموده نقطه شروع پویایی برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان مبنایی برای توسعه است. تقاضای روزافزون به نیروی انسانی ماهر، نظام آموزشی کشورها را بر آن داشت تا در برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود تجدیدنظر کنند و نظام آموزشی را با

خط‌مشی‌های توسعه و ماهیت مشاغل پیش‌رو و در حال تحول هماهنگ کنند. بریتانیا در ۱۹۴۴ میلادی برنامه‌هایی را برای توسعه نظام تعلیم و تربیت تدارک دید. در فرانسه طی دهه ۱۹۵۰ تدارکاتی بسیار در جهت توسعه و گسترش و تجهیز نظام آموزشی اعم از مدرسه و دانشگاه در نظر گرفته شد و به اجرا در آمد. سایر کشورهای اروپایی نیز تقریباً چنین شیوه‌ای را دنبال کردند.

شایان ذکر است که برنامه‌ریزی‌های آموزشی و توسعه‌ای در کشورهای اروپایی به صورت نیمه‌متمرکز صورت می‌گرفت؛ یعنی دولت‌های مرکزی ضمن بیان سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی، در تهیه و تدوین مقاصد آموزشی و هدف‌ها نقش ارشادی را بازی می‌کردند و نیازهای کمی و کیفی بازار کار را در اختیار برنامه‌ریزان منطقه‌ای قرار می‌دادند.^۱

دهه ۱۹۵۰ یعنی دوره پس از جنگ جهانی دوم برای کشورهای در حال توسعه - بیشتر کشورهایی که از یوغ استعمار اروپا خارج شده بودند - نیز به تناسب تحولات سیاسی و احساس نیاز به وجود نظامی متمرکز برای برنامه‌ریزی آموزش و پرورش - سال‌های اصلاح، تغییر و رشد و تحول در برنامه‌ریزی آموزشی بود.

در همین دهه، به واسطه تحولات اقتصادی در کشورها، به وجود ارتباط میان بهره‌وری اقتصادی و سطح تحصیل و سواد و نقش نظام آموزش و پرورش توسط اقتصاددانان توجه شد و نقش سواد و سطح تحصیلات در رشد اقتصاد ملی بارز گشت. در این راستا، برنامه‌ریزی آموزشی مأموریت تهیه ابزار تأمین سواد نیروی انسانی لازم را برعهده گرفت. علاوه بر تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی بر روند رشد برنامه‌ریزی آموزشی، دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی شاهد تأثیر تحولات اجتماعی بر گسترش و نوسازی برنامه‌ریزی آموزشی نیز بوده است؛ به این معنا که نتایج بعضی پژوهش‌ها^۲ نشان داد که تحصیل و کسب دانش و مهارت بیشتر نه تنها به نتایج مثبت سیاسی و اقتصادی منجر می‌شود و موجبات کسب درآمد بیشتر افراد را نیز فراهم می‌کند بلکه به نوعی محسوس، تحرک اجتماعی^۳ باسوادان و متخصصان را نیز به همراه دارد. توجه به این امر، خود، ضمن افزایش تقاضا برای

در دهه ۱۹۶۰
سرمایه‌گذاری انسانی
به عنوان منبع و منشأ
توسعه معرفی شد

- سطح‌بندی کردن و گسترش آموزش‌های دبیرستانی و دانشگاهی؛
- تقسیم‌بندی محتوای آموزش به آموزش‌های عمومی^۷ و اختصاصی؛
- فنی و حرفه‌ای کردن آموزش و برنامه‌ریزی برای آموزش‌های تخصصی.

در همین دهه با افزایش تقاضای متخصص برای برنامه‌ریزی آموزشی، بسیاری از دانشگاه‌ها در سطح تحصیلات تکمیلی رشته برنامه‌ریزی آموزشی را دایر کردند.

تأسیس مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی (IIEP)^۸ وابسته به یونسکو و تشکیل سازمان همکاری‌های اقتصادی برای توسعه (OECD)^۹ در پاریس در دهه ۱۹۶۰ میلادی، کمکی بود تا مجموعه‌ای از ادبیات و تجربیات گوناگون در رشته برنامه‌ریزی آموزشی مدون شود و این روند هم‌چنان در حال تکوین و گسترش است.» (مشایخ، کاردان ۱۳۸۰، ص ۱۹۸).

در دهه ۱۹۷۰ میلادی، نظریه عمومی سیستم‌ها در آموزش مطرح شد و روش‌های سیستمی ارائه شده در خدمت نظام برنامه‌ریزی آموزشی نیز قرار گرفت. این روش امکان در نظر گرفتن مسائل آموزشی در تعامل با یکدیگر و چاره‌جویی برای حل آن‌ها در ارتباط با همان تعامل در قالب یک نظام یا یک کل را میسر می‌سازد (همان ص ۱۹۹).

کومبز در دهه ۱۹۷۰ میلادی با بهره‌گیری از همین روش سیستم‌ها مسائل گوناگون نظام آموزشی را مورد تحلیل قرار داد. او در این تحلیل، نظام آموزشی را به منزله یک کل متشکل از اجزا در نظر گرفت و اجزا را به صورت درون‌دادها، فرایندها و برون‌دادها معرفی کرد. این اجزا هرکدام در عین حال که در جهت تحقق اهداف کلی نظام عمل می‌کنند با یکدیگر نیز در تعامل‌اند. به علاوه، هم از محیط و نظام اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی سیاسی تأثیر می‌پذیرند و هم بر آن اثر می‌گذارند (همان).

نظر کومبز چنان بود که این نظام باید به نوعی بتواند بر کیفیت عملکرد خود نظارت داشته باشد لذا باید به مکانیسم‌های کنترل، هدایت و بازخورد مجهز شود و از

آموزش‌های بیشتر و به ضرورت پاسخ‌گویی دولت‌ها برای ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا، سبب تجدیدنظر در رویه‌ها و اتخاذ رویکردهای نو در نظام آموزش و پرورش و به تبع آن توجه بیشتر و دقیق‌تر به برنامه‌ریزی آموزشی گردید.

برنامه‌ریزی آموزشی در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی

سازمان ملل متحد پس از شکل‌گیری در سال ۱۹۴۵ میلادی به مطالعات گسترده درباره اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو پرداخت و پس از آن، بر مبنای مطالعات انجام شده، برنامه‌های توسعه‌ای ده‌ساله‌ای را از دهه ۱۹۶۰ میلادی برای کشورهای در حال توسعه پیشنهاد و برای اجرای آن‌ها تدارک دید. این اقدام در بسیاری از نوشته‌های مرتبط با پیشینه و ادبیات برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان اولین گام نظام‌مند در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی، به منظور دسترسی به توسعه، برشمرده شده است. از آن‌جا که پایه‌های اصلی و اساسی برنامه‌های توسعه بر آموزش استوار بود، به ضرورت، به برنامه‌ریزی آموزشی پرداخته شد و برنامه‌های نظام‌مند آموزشی با هدف توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی تهیه و تدوین و پی‌گیری و اجرا شد.

در دهه ۱۹۶۰ میلادی نظریه سرمایه انسانی^{۱۰} توسط تئودور شولتز^{۱۱} مطرح شد. این نظریه سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش را به عنوان مبنایی برای افزایش درآمد سرانه کارگران و کارکنان و افزایش رفاه آنان توصیه می‌کرد و لذا سرمایه‌گذاری انسانی را منبع و منشأ توسعه معرفی می‌کرد. بنابراین باید گفت در دهه ۱۹۶۰ میلادی، برنامه‌ریزی نظام‌مند با برنامه‌ریزی توسعه به منصه ظهور رسید و پس از آن بود که مراکز و نهادهایی مستقل برای برنامه‌ریزی به وجود آمدند. ایده دستیابی به نیروی انسانی ماهر و در نتیجه کمک به توسعه اقتصادی کشورها از طریق آموزش و پرورش، پیشرفت نظام آموزش و پرورش در کل و برنامه‌ریزی آموزشی در جزء را در حیطه‌های زیر موجب شد:
- همگانی^{۱۲} کردن آموزش و پرورش و به تبع آن اجباری کردن آموزش در سنین خاص؛

طریق ارزشیابی و انجام اصلاحات نظام را در حد تعادل و بقا نگاه‌داری کند. این نگرش در دهه ۱۹۸۰ میلادی به اوج خود رسید و برنامه‌ریزی‌های آموزشی را تحت تأثیر قرار داد. بدین ترتیب، دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی را می‌توان دهه‌های شروع و گسترش تفکر سیستمیک و به‌کارگیری آن در فرایند برنامه‌ریزی‌های آموزشی به حساب آورد.

نقش مؤسسه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در گسترش برنامه‌ریزی آموزشی از ۱۹۷۰ میلادی به بعد

۱. نقش مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) که بعد از جنگ دوم جهانی تأسیس شد، از ابتدا تاکنون کوشش‌های فراوانی را برای ریشه‌کنی بی‌سوادی در کشورها و تعمیم آموزش به عمل آورده و با برگزاری کنفرانس‌ها، سمپوزیوم‌ها و دوره‌های کارآموزی، زمینه استفاده از فنون و روش‌های برنامه‌ریزی در کشورهای مختلف را فراهم کرده است (محسن‌پور، ۱۳۸۸).

سازمان یونسکو در سال ۱۹۶۳ میلادی، «مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی» (IIEP) را به عنوان یک واحد نیمه‌مستقل یونسکو در فرانسه (پاریس) تأسیس کرد و کشورهای داوطلب را به عنوان عضو پذیرفت. هدف از تأسیس این مؤسسه، کمک به رشد و پیشرفت آموزش و پرورش کشورها از طریق گسترش و توزیع دانش، ابزار و تکنیک در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی است. این مؤسسه با همکاری اعضا به پژوهش‌های علمی در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی و برگزاری جلسه‌های سخنرانی و گردهمایی کارشناسان و صاحب‌نظران آموزش و پرورش برای تبادل اطلاعات و دوره‌های تربیت کارشناس می‌پردازد. مطالب منتشره بسیار زیادی^{۱۱} نیز از این مؤسسه از آغاز تاکنون به صورت مقاله و کتاب و گزارش کنفرانس‌ها در دست است. برنامه مؤسسه مذکور به وسیله یک هیئت امنای هشت نفره که چهار نفر آن منتخب یونسکو هستند تهیه، پی‌گیری، اجرا و ارزیابی می‌شود. نتایج کوشش‌های این مؤسسه موجب رشد گسترده مفاهیم، روش‌های تهیه

و تولید و اصلاح و تسهیل اجرای برنامه‌های آموزشی شده است (مارک بری^{۱۲} و همکاران ۲۰۰۸، ص ۱۱).

۲. نقش بانک جهانی

بانک جهانی^{۱۳} نیز با همکاری یونسکو از طریق اعطای وام به کشورها برای انجام تحقیقات در بخش آموزش و پرورش، دول مختلف را در سازمان‌دهی نظام آموزشی و برنامه‌ریزی آموزشی کمک کرده است (محسن‌پور، ۱۳۷۶، ص ۲۴).

۳. نقش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نیز به سهم خود نقشی مهم در توسعه الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی در کشورهای غیرسوسیالیستی اروپا و نیز در امریکای لاتین ایفا نموده است (همان).

برنامه‌ریزی آموزشی از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد

در دهه ۱۹۸۰ میلادی برنامه‌ریزان آموزشی رویکردهای خود را از توجه به (سرمایه انسانی) یعنی «منافع مستقیم و اجتماعی سرمایه‌گذاری در آموزش» به منظور افزایش بهره‌وری انسانی و به تبع آن افزایش ثروت ملی، به تحلیل‌های هزینه-فایده^{۱۴} معطوف کردند و منافع آموزشی را در مقایسه با هزینه‌ها مورد توجه قرار دادند. به عبارت دیگر، سودمندی طرح‌ها با توجه به هزینه‌هایشان مورد مقایسه قرار گرفت. ملاک اندازه‌گیری منافع، درآمد اضافی بود که از اجرای یک طرح در آینده حاصل می‌شد.

استدلال برنامه‌ریزان این دوره این بود که تحلیل هزینه-فایده یک نوع سرمایه‌گذاری هم برای فرد و هم برای جامعه است. با همین استدلال، هم هزینه‌های شخصی و هم هزینه‌های اجتماعی در برآوردها محاسبه می‌شد.

در دهه بعد، یعنی دهه ۱۹۹۰، انتقاداتی بر این رویکرد به شرح زیر صورت گرفت:

۱. تفاوت درآمدها و افزایش ثروت فردی و ملی رانباید منحصرأ ناشی از آموزش دانست؛ (به دلیل تفاوت در استعدادها، زمینه‌های ارثی و شرایط اجتماعی و انگیزه‌ها و...)

۲. تأثیر نارسایی‌های بازار کار در این نتیجه

در دهه ۱۹۸۰ به

رویکردهای راهبردی

توجه بیشتری

معطوف شد. به همین

استناد روش‌ها و

راهبردهای آموزش از

رویکردهای رفتارگرا

به رویکردهای

شناخت‌گرا و

ساختن گرا تغییر مسیر

داد

دخالت داده نمی‌شود؛
۳. تأثیر آموزش فقط منافع اقتصادی نیست، بلکه تجلیات دیگر هم دارد؛
۴. تأثیر نرخ بیکاری در این رویکرد نادیده گرفته می‌شود.

در این دوره، ضمن حفظ توجه به رویکرد سیستمی به رویکردهای راهبردی (استراتژیک) توجه بیشتری معطوف شد و مؤلفه‌های عملکردی و محیطی یادگیری مورد توجه اغلب برنامه‌ریزان آموزشی قرار گرفت. در همین راستا، توجه به نتایج^{۱۴} آموزش و نیز ابزارها و وسایل آن و کیفیت بخشی به هر دو، مرکزیت یافت و صلاحیت‌های کلیدی نتایج آموزش تعیین شد. به همین استناد روش‌ها و راهبردهای آموزش نیز از رویکردهای رفتارگرا^{۱۵} به رویکردهای شناخت‌گرا^{۱۶} و ساختن‌گرا^{۱۷} تغییر مسیر داد.

هم‌چنین در این دوره تعداد قابل توجهی از نظام‌های آموزشی از برنامه‌ریزی‌های مرکزی (متمرکز) فاصله گرفته و به رویه‌های نیمه‌متمرکز و غیرمتمرکز روی آوردند.

دهه ۱۹۹۰ میلادی «پژوهش‌های آموزشی»^{۱۸} نیز صحنه تمرکز و توجه گردید و به نقش مؤثر بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های آموزشی یعنی کاربرست یافته‌های پژوهشی در آموزش توجه بیشتری صورت گرفت. در سال ۱۹۹۵ میلادی کتابی با عنوان «دنیای یادگیری در مدرسه»^{۱۹} توسط انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی^{۲۰} (IEA)، که از سال ۱۹۵۹ میلادی تأسیس شده بود، منتشر شد و یافته‌های کلیدی منتخب از کلیه مطالعات صورت گرفته طی سی و پنج سال را در اختیار برنامه‌ریزان آموزشی سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قرار داد. اطلاعات ارائه شده در این کتاب درباره کاستی‌ها و اشکال‌های شناخته شده آموزشی بوده و زمینه اصلاح و تغییر در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های برنامه‌ریزی آموزشی بسیاری از کشورها را فراهم کرد.^{۲۱}

این دوره با توجه به افزایش و تنوع تقاضا برای آموزش در سطوح مختلف، (از جمله آموزش‌های متوسطه و عالی، فنی و حرفه‌ای و کاربردی، از راه دور و غیررسمی)، تحولات سیاسی کشورها، بحران‌های

اقتصادی و اجتماعی به ویژه از دهه ۱۹۸۰ به بعد، مسئله بیکاری دانش‌آموختگان و مجهز نبودن آن‌ها به قابلیت‌های مورد نیاز محیط‌های کار جدید، بار دیگر توجه به رویکردی نو را به عنوان چاره‌جویی برای معضلات پیش آمده الزام‌آور کرد. در این راستا، مفهوم «توسعه انسانی»^{۲۲} به عنوان «فرایند گسترش دامنه گزینش‌های انسانی» کانون بحث‌های مربوط به توسعه نظام‌های آموزشی قرار گرفت (UNDP نقل از مقدمه مشایخ و بازرگان، ۱۳۷۴ در کتاب کافمن و هرمن). در همین دهه راهبردهای استراتژیک در نظام برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان راهبردهای مؤثر و کارآمد در جهت‌دهی توسعه باب شد. نکته قابل ذکر از قول کیت لوین^{۲۳} (۲۰۰۸، ص ۳) در این باب این است که: «نظریه «سرمایه انسانی» علی‌رغم گسترش مفهوم «توسعه انسانی» هنوز در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در حال توسعه مسلط و پابرجاست».

تشکیل کنفرانس بین‌المللی «آموزش برای همه»^{۲۴} در ۱۹۹۰ میلادی در جامتین^{۲۵} در کشور تایلند و تأکید بر تأمین آموزش عمومی به عنوان آموزش پایدار، و متعهد شدن کشورهای عضو یونسکو به رعایت این مسئله و تأکید بر آن در کنفرانس داکار^{۲۶} در کشور سنگال و نیز تشکیل اجلاس‌های منطقه‌ای یونسکو در موضوعات متنوع برنامه‌ریزی آموزشی و در سطوح گوناگون نظام آموزشی مستمر از دهه ۱۹۹۰ به بعد، از پدیده‌های قابل ذکر مفید و اثرگذار بر تحولات برنامه‌ریزی آموزشی بوده‌اند.^{۲۷}

به علاوه، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و به تبع آن سهولت ارتباطات بین‌المللی از طریق اینترنت و سایر فناوری‌های ارتباطی و ظهور پدیده جهانی‌سازی و جهانی‌شدن، همه، تازه‌هایی از مسائل و مشکلات را به عنوان «تهدیدها» و در عین حال امکانات و امتیازات به عنوان «فرصت‌ها» را به دنیای پیچیده برنامه‌ریزی آموزشی تقدیم کرد.

۲. تاریخچه و سیر تحول برنامه‌ریزی آموزشی در ایران

الف. برنامه‌ریزی آموزشی قبل از انقلاب اسلامی
شروع برنامه‌ریزی آموزشی، در ایران به صورت

رسمی با آغاز روابط فرهنگی میان ایران و اروپا در دوره حکومت قاجار مقارن است. از آن زمان بسیاری از الگوهای آموزشی و فرهنگی غرب از جمله الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی به نظام آموزشی ایران راه یافت (محسن‌پور، ۸۸، ص ۲۴). برنامه‌ریزی آموزشی ایران نیز مثل کشورهای جهان ابتدا در قالب برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی-اجتماعی شکل گرفت. در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی، شورای اقتصاد به وجود آمد و قرار بود برنامه‌ای برای رشد اقتصادی کشور تنظیم شود اما در عمل تا سال ۱۳۲۵ کاری چشم‌گیر در این زمینه صورت نگرفت. در سال ۱۳۲۶ هیئتی که برای تهیه نقشه اصلاحی کشور مأمور شده بود، برنامه‌ای هفت‌ساله تنظیم کرد که در بهمن ماه ۱۳۲۷ هجری شمسی، به تصویب مجلس رسید. نخستین برنامه توسعه آموزش و پرورش در قالب همان برنامه هفت‌ساله در همان سال به مرحله اجرا درآمد. این برنامه که قرار بود تا سال ۱۳۳۵ هجری شمسی ادامه یابد، در سال ۱۳۳۴ به دلیل تحریم اقتصادی ایران در سال ۱۳۳۰ پس از ملی شدن صنعت نفت در ایران متوقف شد و برنامه عمرانی دوم شروع شد (همان و نامغ ۱۳۸۶).

برنامه‌ریزی آموزشی در برنامه دوم عمرانی (۱۳۴۱-۱۳۳۴ هجری شمسی) زیر نظر سازمان برنامه و بودجه که در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی به وجود آمده بود، مورد نظارت قرار گرفت. در سال ۱۳۳۹ طرحی بلندمدت (۲۰ ساله) در قالب چهار زیرطرح پنج‌ساله توسط اداره کل برنامه‌ها در وزارت آموزش و پرورش با همکاری دفتر منطقه‌ای یونسکو در آسیا و اقیانوسیه برای توسعه و تعمیم آموزش ابتدایی در ایران تهیه و به اجرا گذاشته شد. از این رو، برنامه‌های عمرانی سوم تا ششم پنج‌ساله تنظیم شد و به اجرا درآمد. بر مبنای طرح توسعه آموزش ایران، قرار بود برنامه آموزش ابتدایی طی برنامه پنج‌ساله کلیه کودکان واجب‌التعلیم را تحت پوشش قرار دهد.

بدین ترتیب، برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۱-۴۶ هجری شمسی) و برنامه چهارم (۱۳۴۷-۵۱) پیش می‌رفت. در این دو برنامه، مدت زمان از هفت سال به پنج سال کاهش داده شد. «تا قبل از شروع برنامه چهارم عمرانی کشور، مسئولیت

طراحی برنامه‌های آموزش و پرورش به عهده سازمان برنامه و وزارت آموزش و پرورش بود؛ پس از آن، به موجب قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی (مصوب ۱۳۴۶)، مسئولیت برنامه‌ریزی آموزشی در کلیه سطوح تحصیلی بر عهده این وزارتخانه گذاشته شد و با به وجود آمدن دفتر برنامه و بودجه در سازمان برنامه، دفتر مرکزی برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه و وزارت علوم به صورت توأمان این مسئولیت را عهده‌دار شدند (همان ص ۲۸).

از سال ۱۳۴۸ هجری شمسی که مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی در وزارت علوم تأسیس شد، گروهی خاص تحت عنوان «گروه برنامه‌ریزی آموزشی» عهده‌دار برنامه‌ریزی در آموزش عمومی وزارت آموزش و پرورش گردید.

در آغاز برنامه چهارم عمرانی کشور، دوره ابتدایی شش‌ساله به پنج سال کاهش داده شد و دوره دبیرستان شش‌ساله نیز به دو دوره سه‌ساله (راهنمایی تحصیلی) و چهارساله (دبیرستانی) تغییر پیدا کرد. لذا مجموع سال‌های تحصیلی پیش از دانشگاه همان دوازده سال باقی ماند. نکته قابل ذکر دیگر در ارتباط با این برهه از زمان، تأسیس تلویزیون آموزشی به منظور بهبود کیفیت آموزشی است.

برای برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۶-۱۳۵۱) وزارت آموزش و پرورش نیز در کار برنامه‌ریزی با مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی (وابسته به وزارت علوم) و سازمان برنامه و بودجه سهیم شد. در این برنامه، علاوه بر تعمیم آموزش ابتدایی، رفع بی‌سوادی در بزرگسالان فعال، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی برای تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر نیز در چارچوب برنامه‌های آموزشی قرار گرفت.

برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه ششم عمرانی (۱۳۶۱-۱۳۵۶) با همان هدف‌ها و روش‌های برنامه پنجم شروع و ادامه یافت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به دلیل عدم هماهنگی و انطباق کامل آن برنامه‌ها با نیازها و انتظارات انقلاب، متوقف شد و از آن پس براساس برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب شکل گرفت.

در جمهوری

اسلامی ایران روند

برنامه‌ریزی آموزشی

که تا به حال بیشتر

از بالا به پایین بوده

(کلان به خرد)، اینک

از پایین به بالا یعنی از

خرد به کلان است

ب. برنامه‌ریزی آموزشی در جمهوری اسلامی ایران

تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی جمهوری اسلامی ایران با آغاز انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی مقارن است. در این سال «شورای عالی برنامه‌ریزی» تشکیل شد که سیاست‌های کلی آموزشی را برای تمام سطوح تحصیلی تدوین کرد. بر آن اساس، با همکاری بین حوزه و دانشگاه‌ها روح جهان‌بینی اسلامی بر نظام آموزشی دمیده شد و بسیاری از برنامه‌های درسی مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی، سازمان برنامه و بودجه از جانب شورای عالی اقتصاد کشور مأموریت یافت تا برای توسعه اقتصادی کشور برنامه بلندمدتی (۲۰ ساله) را تهیه کند. این برنامه پس از تهیه و تصویب در شورای اقتصاد، قرار شد در قالب چهار برنامه پنج‌ساله در شورای برنامه‌ریزی بخشی وزارتخانه‌ها تدوین و تنظیم شود و به اجرا درآید. در اولین برنامه که برنامه توسعه عمرانی نام گرفت و به سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ محدود می‌شد، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی هریک برنامه‌های آموزشی پنج‌ساله خود را تدوین و تنظیم کردند. سازمان برنامه و بودجه وقت، مسئولیت ارائه برنامه کلان را برعهده داشت و متأسفانه «به دلیل اوج‌گیری جنگ تحمیلی و بروز مشکلات اقتصادی، تصویب این برنامه‌ها عقیم ماند و به اجرا درنیامد.» [محسن‌پور، ۷۷، ص ۳۱]. در این برهه از زمان، اگرچه برنامه مصوبی در دست نبود، اما چهار نهاد «ستاد انقلاب فرهنگی»، «سازمان برنامه و بودجه»، شورای گسترش آموزش عالی و سازمان سنجش آموزش کشور طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ در قلمرو آموزش عالی، کوشش‌هایی را در جهت گسترش کمی و کیفی آموزش عالی به عمل آوردند. یکی دیگر از اقدامات مهم در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی در این سال‌ها، ایجاد مؤسسات آموزش عالی غیردولتی از جمله دانشگاه آزاد در کشور است [نفیسی، ۱۳۷۱، ص ۲۳].

برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی (۱۳۷۲-۱۳۶۸) پس از پایان جنگ تحمیلی و کاهش فشارهای ناشی از جنگ مجدداً در سال ۱۳۶۸ آغاز

شد. بر مبنای این برنامه، در هر یک از ارگان‌های وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای به‌طور مستقل برنامه‌ریزی شکل گرفت و برنامه‌های تدارک دیده شده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و برای اجرا به دولت ابلاغ شد [محسن‌پور، ۷۷، ص ۳۱].

در این برنامه، تشکیل شوراهای برنامه‌ریزی استانی، شهرستانی، بخش و ده پیش‌بینی شده بود؛ اما در عمل فقط شورای برنامه‌ریزی استانی شکل گرفت و سه نوع شورای دیگر تشکیل نشد [نفیسی، ۱۳۷۴، ص ۲۵].

برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران محدود به سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۴، توسط شورای برنامه‌ریزی آموزشی کشور تهیه و تدوین شد و پس از تصویب در مجلس در سال ۱۳۷۴ با یک سال تأخیر به مرحله اجرا گذاشته شد. برنامه‌های آموزشی مصوب در این قالب در پنج موضوع، تهیه و تدوین و به اجرا گذاشته شدند:

- آموزش و پرورش عمومی، آموزش متوسطه نظری و آموزش فنی - حرفه‌ای در وزارت آموزش و پرورش؛
- آموزش عالی و تحقیقات غیرپزشکی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
- آموزش فنی و حرفه‌ای و غیررسمی در شورای فنی و حرفه‌ای و نهضت سوادآموزی؛
- مؤسسات تحقیقاتی و آموزش غیردولتی در دانشگاه آزاد و مؤسسات غیرانتفاعی [کاردان، مشایخ، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸].

روند تکوینی اسناد برنامه‌ریزی آموزشی در جمهوری اسلامی ایران، شاهد جایگزینی حرکت «پایین به بالا» به عبارت دیگر «خرد به کلان» در حرکت عکس آن در گذشته یعنی حرکت از «بالا به پایین» یا «کلان به خرد» است؛ در حالی که در عمل برنامه‌ریزی به صورت متمرکز و در سطح کلان مورد توجه بوده؛ گرچه به امر فعال‌سازی شوراهای استانی در جهت تمرکززدایی در برنامه، به‌طور مبهم، اشاره شده است (همان).

درباره ارزیابی این برنامه‌های توسعه‌ای آموزشی نیز باید گفت که اگرچه مطابق با پیش‌بینی برنامه، قرار بوده است عملکرد هر برنامه پس از اتمام یک دوره و



جهاد اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واريز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه همراه آريش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

- ۱- مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (گویی فیش را نزد خود نگه دارید).

نام مجلات درخواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان:

شماره فیش:

مبلغ پرداختی:

شماره پستی:

پلاک:

امضا:

در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

پیشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۵۸/۱۱

وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۳۳۶۶۵۶ / ۷۳۳۵۱۰ / ۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۵۰۰۰ ریال
♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰ ریال

قبل از آغاز برنامه‌ریزی برای دوره بعد توسط سازمان برنامه ارزشیابی شود و بر آن اساس، داده‌های وضع موجود با هدف‌های کمی و کیفی مورد انتظار مورد مقایسه قرار گیرد اما، در عمل، فقط به بررسی‌های کمی از جمله: میزان پوشش تحصیلی، تراکم کلاس، نسبت دانش‌آموز به معلم، نسبت فضاهای آموزشی و هزینه سرانه آموزشی و مواردی از این دست اکتفا شده و تحقق هدف‌های کیفی آموزش و پرورش کمتر مورد ارزشیابی علمی قرار گرفته است. از نوشته مشایخ، کاردان (۱۳۸۰، ص ۲۲۰) در این ارتباط، چنین برمی‌آید که تصویر نمایانده شده از ارزشیابی‌ها بیشتر حاوی نمایش‌های مرتبط با تحول «وسایل» به عبارت دیگر «درون‌دادها» و «فرایندها» بودند تا حاوی نمایش کیفیت‌ها؛ یعنی «نتایج»، «محصول‌ها» و «پیامدها». نظر نفیسی (۱۳۷۴، ص ۳۵) نیز این است که نهاد ارزشیابی کننده در تحقق هدف‌های آموزشی، عمدتاً به توسعه فیزیکی متمرکز بوده است. او از خلال ارزیابی‌های برنامه‌های اول و دوم و چگونگی اجرای آن‌ها به نقطه ضعف‌های ویژه‌ای پی برده است از جمله:

- فقدان برنامه‌های عملیاتی برای اجرای رهنمودها و سیاست‌های کلی و در نتیجه ایجاد گسستگی بین سیاست‌ها و رهنمودهای اجرایی؛
- فقدان توافق روشن و قطعی بین ارکان نظام برنامه‌ریزی و مسئولان اجرایی کشور و لذا جهت‌گیری‌های متفاوت

اجرای بنا بر درک ذهنی مسئله؛

- فقدان نظام اصلاحی و مکانیسمی برای تغییر، در نتیجه عدم آگاهی از نقاط قوت و ضعف برنامه و زمینه‌های جبرانی.

برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹) روی موضوعات آموزش و پرورش عمومی، آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تمرکز بیشتری داشت.

برنامه توسعه آموزش و پرورش عمومی به وسیله شورای بخشی وزارت آموزش و پرورش تهیه و تدوین شده که براساس آن برنامه قرار بود عملیات زیر در طول برنامه سوم صورت گیرد:

- بررسی روند امور گذشته، بررسی وضعیت موجود و مشکلات و تنگناها و تعیین چشم‌انداز آینده؛
- تدوین برنامه‌های راهبردی و اتخاذ سیاست‌های استراتژیک؛

- تدوین خط‌مشی‌ها و راه‌کارهای اجرایی.

برنامه‌ریزی آموزشی در قالب برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴) صورت گرفت. این برنامه از ویژگی‌های خاص برنامه چهارم توسعه از جمله «سند چشم‌انداز بیست‌ساله» و سند سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی تعیین شده بهره برد. برنامه‌ریزی آموزشی در این دوره

نیز مثل دوره قبل بر عهده شوراهای فرابخشی، بخشی و استانی قرار داشت و نهاد مسئول تدوین سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی برنامه‌ها در وزارت

علوم، تحقیقات و فناوری، «شورای عالی انقلاب فرهنگی» و در وزارت آموزش و پرورش «شورای عالی آموزش و پرورش» بود.

پی‌نوشت

۱. برنامه‌ریزی آموزشی ۸۶-۱۳۷۶ تألیف دکتر بهرام محسن‌پور، انتشارات مدرسه؛ برنامه‌ریزی آموزشی بخشی از علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن زیر نظر علی محمد کاردان، ۱۳۸۰ نوشته دکتر فریده مشایخ انتشارات سمت؛ مبانی برنامه‌ریزی آموزشی ۱۳۵۶ تألیف یحیی فیوضات انتشارات دانشگاه اَبوریحان؛ برنامه‌ریزی آموزشی چیست تألیف کومیز ترجمه محمد بهران‌منش، ۱۳۵۶، دانشگاه تهران.

2. IIEP, unesco, Intrduction to Educational Planning 1988, unesco, Paris.
3. Social mobility
4. human capital
5. Theodore Schultz

۶. همگانی کردن آموزش و پرورش به معنای فراهم کردن آموزش و پرورش برای همه افراد در حد معیارهای متعارف جامعه است. در جامعه‌ای که

این اصل را پذیرفته است بهره‌مندی از نصاب معینی تربیت حق هر شهروند است. بر این اساس جنبه همگانی آموزش و پرورش به وظیفه و مسئولیت جامعه باز می‌گردد. به علاوه قبول این اصل دو نوع الزام را اجباری بودن و رایگان بودن آموزش و پرورش را به وجود می‌آورد. (معیری ۱۳۷۶ ص ۱۴).

۷. آموزش‌های عمومی آن‌هایی هستند که عموم افراد تحت آموزش همگانی باید آن را بیاموزند؛ به عبارت دیگر آموزش‌های پایه و اساس برای هر نوع یادگیری در هر موضوع و هر زمینه‌اند.

8. International Institute of Educational Planning.

۹. از بدو تأسیس در ۱۹۶۲، تا کنون بیش از ۱۲۰۰ عنوان مطلب در قالب کتاب، مقاله، مجله و بروشور به وسیله مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی منتشر شده است.

کاتولوگ‌های جامعی در بعضی موضوعات از جمله: برنامه‌ریزی آموزشی و مسائل جهانی، مدیریت آموزش و پرورش، آموزش از راه دور، طرح نقشه مدارس، اقتصاد در آموزش و پرورش، کیفیت در آموزش و پرورش، سطوح متفاوت آموزش رسمی و راهبردهای متنوع برای اجرای آموزش (آموزش مادام‌العمر، غیررسمی،...) به صورت آنلاین در سایت مؤسسه info@iiep.unesco.org موجود و قابل استفاده است.

10. Bray, etall
11. World Bank
12. Organization of Economic, Cooperation and Development
13. cost- benefit analysis
14. learning outcomes

15. behaviorism
16. cognitivim
17. constructivism
18. educational researches
19. The World of School Learning
20. International Assosiation for the Evaluation of Educational Achierement
21. The results of 35 years research in Educational Evaluation 1991, International Association for the Achierement.

22. human development
23. Keith Lewin
24. education for all
25. Jometien
26. Dakar

۲۷. در سال ۱۹۹۱ اجلاس توسط دفتر منطقه‌ای یونسکو

برای آسیا و اقیانوسیه در بانکوک تایلند تشکیل و با شرکت کشورهای عضو از جمله ایران به بررسی و ارزیابی وضعیت موجود نظام آموزش متوسطه پرداخته است. نتایج این اجلاس یک هفته‌ای با عنوان «در جست‌وجوی تدابیری برای نظام آموزش متوسطه در آستانه قرن بیست‌ویکم» توسط نگارنده ترجمه و توسط پژوهشکده تعلیم و تربیت انتشار یافته است.

29. Caillods, B. IIEP, 1997, directions in educational planning, unesco, iiep.
31. Lewin, Keith, M. 2008, Retrospect and prospect of four Decades of Educational planning, unesco, iiep.

منابع

۱. محسن‌پور، بهرام ۱۳۷۹. مبانی برنامه‌ریزی آموزشی. انتشارات سمت. تهران.
۲. محسن‌پور، بهرام ۱۳۷۶، ۱۳۸۸. برنامه‌ریزی آموزشی. انتشارات مدرسه. تهران.
۳. کافمن، راجر و هرمن، جری. برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی، بازاندیشی، بازسازی ساختارها، و بازآفرینی. ترجمه مشایخ، فریده و بازرگان، عباس، ۱۳۷۴. انتشارات مدرسه. تهران.

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک‌آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

لشد کودک

(برای دانش‌آموزان ابتدایی و پایه اول دبستان)

لشد نوجوان

(برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

لشد دانش‌آموز

(برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم تا پنجم دوره دبستان)

لشد نوجوان

(برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

لشد جوان

(برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

مجله‌های بزرگسال عمومی

• رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

• رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) • رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) • رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فنی و حرفه‌ای • رشد آموزش پیش‌دانشگاهی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، معاونان و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جوینان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش - پلاک ۲۶۶ دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.

• تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۳۷۸ - ۲۱.



دفتر انتشارات کمک‌آموزشی